

مقایسه نظریه‌های عمل‌گرایی و بازسازی‌گرایی در رابطه با آموزش اخلاق و قانون‌پذیری به دانش‌آموزان

علی اصغر قلیچ‌خان^۱، دکتر محمدرضا سرمدی^{۲*}، دکتر محمدهاشم رضایی^۲، دکتر فائزه ناطقی^۳
 ۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران.
 ۲. گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
 ۳. گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران.
 (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶)

چکیده

زمینه: اخلاق و قانون‌پذیری نقش مهمی در ایجاد ارتباطی پنهان اما حیاتی در میان مردم به عهده دارند. از این رو، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی دیدگاه دو نظریه عمل‌گرایی و بازسازی‌گرایی در رابطه با آموزش اخلاق و قانون‌پذیری به دانش‌آموزان بوده است. برای این هدف با مروری بر کتب مکتوب و منابع الکترونیکی مطالب به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، جمع‌آوری‌شده و با استفاده از روش توصیفی تفسیر شد.

نتیجه‌گیری: نتایج بیانگر این است که دو نظریه عمل‌گرایی و بازسازی‌گرایی (نو عمل‌گرایی) در زمینه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری به دانش‌آموزان دارای عناصر تربیتی خاصی می‌باشند. هر یک از این نظریه‌ها، دارای مبانی و اصول تربیتی، اهداف آموزشی، محتوای آموزشی، روش‌های آموزشی و ارزشیابی در ارتباط با آموزش اخلاق و قانون‌گذاری هستند که با یکدیگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. دانشمندان معاصر عمل‌گرایی کلاسیک از تجربه به‌عنوان قلب عمل‌گرایی دفاع می‌کنند در حالی که نئوپراگماتیست‌ها مفهوم تجربه را به نفع عمل‌گرایی کاملاً زبانی کنار می‌گذارند. حس مشترک که برای پراگماتیسم یک مسأله بسیار محوری است، برای عمل‌گرایی نوین یک امر فرافردی و بین‌فردی است. عمل‌گرایی نوین نوعی برداشت و تفسیر سوم از دیدگاه دیویی است و گاهی اوقات به عمل‌گرایی زبان‌شناسانه و نسخه پست مدرن عمل‌گرایی نیز معروف است.

کلیدواژه‌گان: عمل‌گرایی، بازسازی‌گرایی، آموزش اخلاق، قانون‌پذیری

سر آغاز

رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آن‌ها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت که قانون‌پذیری در جامعه فراگیر شده است. آنچه به‌خصوص به لحاظ روانشناسی اجتماعی، اهمیت دارد پذیرش ارادی و داوطلبانه‌ی قوانین از سوی افراد جامعه می‌باشد. در این حالت می‌توان گفت که قانون‌پذیری به‌عنوان جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه است. اجتماعی شدن فرایندی است که از زمان تولد تا زمان مرگ با افراد همراه است (۲).

بحث اخلاق و قانون‌پذیری زیرمجموعه‌ای از مؤلفه ارزش‌شناسی^۴ در فلسفه است و ارزش‌شناسی، آن قسمت از فلسفه است که درباره ماهیت ارزش، منبع آن، انواع آن، اساس نظری ارزش‌ها و طرق بررسی قضاوت‌های ارزشی بحث می‌کند. ارزش‌شناسی شامل اخلاق و

اخلاق^۱، شاهراه پیشگیری از آسیب‌های روانی-اجتماعی^۲ و همچنین ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و مؤثرترین راه مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است (۱). بدون پایبندی افراد جامعه به ارزش‌ها و هنجارها، تداوم و انسجام آن جامعه با مشکل روبرو می‌شود و از این رو باید زمینه پایبندی به اخلاق در جامعه فراهم شود و از سنین پایین اخلاق فردی و اجتماعی آموزش داده شود. برای اجرای اخلاق در جامعه و تداوم زندگی اجتماعی قوانینی وضع و به اجرا در می‌آید. که باید افراد آن اجتماع نسبت به آن قوانین پایبند باشند و آن قوانین را بپذیرند.

قانون‌پذیری^۳ به معنای پذیرش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی قانون از طرف اکثریت نزدیک به اتفاق مردم و عمل به آن‌ها می‌باشد. اگر توده‌ی مردم با بینش و آگاهی خود به این نتیجه رسیده باشند که



زیبایی‌شناسی^۵ است (۳).

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند مستقل از ملاحظات اخلاقی^۶ و قانونی به سامان‌بخشی امور اجتماعی و فرهنگی خود اقدام نماید؛ به این خاطر که مسئله اخلاق و قوانین مقوله‌هایی هستند که تمامی مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رفتاری را متأثر می‌سازند. البته آنچه که در این امور مهم است، علاوه بر تأکید بر ضرورت توجه به اخلاقیات و قوانین، توجه به روش‌ها و رویکردهای درست آموزش اخلاقی و قانون‌پذیری است. بسیاری از تردیدها و ابهاماتی که نسبت به اخلاق و ارزش‌ها وجود دارد، نه لزوماً به‌خاطر تردید در ضرورت، بلکه به‌خاطر تردید نسبت به روش‌های آموزش و تربیت اخلاقی در مدارس و دیگر نهادهای مربوط است. این تردید نیز خود ناشی از فقدان مدل خاص و روشن تربیت است. بنابراین، تبیین و ارزیابی روش‌ها و رویکردهای مؤثر تربیتی و آموزشی می‌تواند گام مؤثری در جهت حل معضلات مربوط به تربیت اخلاقی و قانون‌پذیری به حساب آید. بنابراین، با توجه به اهمیت آموزش اخلاق و تقویت میزان قانون‌پذیری در جامعه باید دیدگاه مکاتب فلسفی و نظریه‌های تربیتی را در این زمینه موردبررسی و نکات کاربردی آن را به افراد جامعه آموزش و مورد استفاده قرار داد. دو مورد از نظریه‌های تربیتی معاصر که در اصلاح جامعه و کاربرد عملی مورد توجه قرار گرفته است، نظریه‌های عمل‌گرا^۷ و بازسازی اجتماعی^۸ است. در این پژوهش آموزش اخلاق و قانون‌پذیری به دانش‌آموزان از منظر نظریه‌های عمل‌گرا و بازسازی مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

نظریه عمل‌گرایی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری چه دیدگاهی دارد؟

عمل‌گرایی معادل واژه پراگماتیسم است که از واژه یونانی پراگما، به معنای عمل، مشتق شده است. این اصطلاح را چالرز ساندرز پیرس (در قالب اصل پراگماتیک) در سال ۱۸۷۸ وارد فلسفه کرد. عمل‌گرایی، مکتبی است که سرچشمه آن را نگرش حوزه آمریکا به فلسفه می‌دانند. با نگاهی به گذشته، عمل‌گرایی مهم‌ترین و تنها حرکت فلسفی آمریکایی مابین پایان جنگ داخلی آن کشور و پایان جنگ جهانی دوم بوده است. در این مکتب، نه تنها مسائل فلسفی، بلکه مسائل مربوط به انسان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. این نگرش فلسفی، در جستجوی خود برای ارائه تفسیر کاملی از زندگی انسان، می‌کوشد ذهن و طبیعت، زبان و اندیشه، عمل و معنا، و شناخت و ارزش را به هم مرتبط سازد و بر اهمیت اساسی اندیشه انتقادی، روش منطقی و آزمون تجربی در تمام حوزه‌های مختلف کوشش‌های انسانی تأکید کند (۴).

بنیانگذاران عمل‌گرایی، با جهانی روبرو شدند که در آن تقابلهای بسیاری ظهور یافته بود: تقابل علم و مذهب، پوزیتیویسم و رمانتیسم، ادراک شهودی در برابر تجربه حسی و غیره. بنابراین، جنبش عمل‌گرایی، نقش یک میانجی را ایفا می‌کرد، تلاشی برای وحدت بخشی میان علم و مذهب، نظریه و عمل، اندیشه نظری و تحلیل، و مدرسه و زندگی. یکی از اهداف عمده عمل‌گرایی این بود که نگرش‌های فلسفی سنتی را در پرتو پیشرفت‌های علمی نوین به نقد کشد. اما بر خلاف

پوزیتیویسم، عمل‌گرایی، فلسفه و دیگر علایق انسانی را به نمونه‌های ساده شده‌ای از علوم اثباتی فرو نمی‌کاهد یا آنها را تابع این علوم نمی‌داند. از جمله موارد تأثیرگذار بر رهیافت عمل‌گرایی، نظریه تکامل و روش‌های آماری جدید در باب استدلال، و نیز تأکید بر خواسته‌های مشروع و وجه دیگر انسانی بود، همچون اخلاق و عمل اجتماعی، هنر، شعر، تاریخ، مذهب و فلسفه نظری. آنها، بر خلاف پوزیتیویست‌ها، علم را ابزاری برای خارج کردن یا کوچک‌سازی چنین وجوهی نمی‌دانستند. در واقع، به همین دلیل است که پیرس، مفهوم «روش منطقی»^۹ را به مثابه مفهومی بنیادین در نظر می‌گیرد که می‌تواند تقابلهای گوناگون ذکر شده را وحدت بخشد. جیمز نیز بر تجربه، به عنوان یک آزمون کلی که باید تمام ساخت‌های نظری را بیازماید تأکید می‌کند. دیوئی نیز با ارائه مفهوم یگانه‌ای از اندیشیدن، به مثابه مبادله‌ای فعال میان موجود زنده و محیط پیرامون آن، بر همین نکته صحنه می‌گذارد (۴).

عمل‌گرایی درصد برآمد تا آزمایش‌گرایی را جایگزین مشربهای مطلق کند (۵). عمل‌گرایان عقیده دارند که عالم نه وابسته به تصور انسان درباره‌ی آن است و نه مستقل از آن. واقعیت عبارت است از «تعامل»^{۱۰} میان وجود انسان و محیط او یا مجموع چیزهایی که «تجربه می‌کنیم». انسان و محیط او «هماهنگ» هستند و در برابر هر آنچه واقعی است، مسئولیت مساوی دارند. عالم برای انسان فقط تا آن حد دارای معنی است که وی آن را تجربه کند. هرگاه جهان را هدفی عمیق‌تر باشد، این هدف بر انسان پوشیده است؛ آنچه انسان نتواند تجربه کند، در نظر او واقعی نخواهد بود. چون فلسفه‌ی عمل‌گرا طبعاً انسان‌گرا است، از این شعار جانب‌داری می‌کند که «انسان مقیاس همه‌چیز است». ویلیام جیمز تأکید می‌کند که فرد تحصیل کرده حق دارد آفریننده‌ی واقعیت متعلق به خود باشد، درحالی‌که پیرس و دیوئی اظهار می‌دارند که واقعیت به دست کارشناسان، به‌ویژه دانشمندان، بهتر تعیین می‌شود (۶).

در نظر پراگماتیست‌ها ارزش‌ها نسبی هستند. قواعد اخلاق و کردار ثابت نیستند، بلکه باید با تغییر فرهنگ‌ها و جامعه‌ها تغییر کنند. این نظر حاکی از آن نیست که ارزشهای اخلاقی باید از ماهی به ماه دیگر در نوسان باشند، بلکه بدان معنی است که هیچ اصل خاصی را نباید بدون توجه به اوضاع و احوالی که در آن، به آن اصل عمل شده است، برای همه جهانیان الزام آور دانست. «تو کسی را نخواهی کشت» یک اصل مطلق نیست. مثلاً ممکن است به منظور دفاع از خویش یا نجات زندگی دیگری، کشتن کاری درست باشد. کودک باید یاد بگیرد که چگونه تصمیمات اخلاقی مشکل را اتخاذ کند؛ نه به مدد اصول دستوری غیر قابل انعطاف، بلکه با تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام عمل، احتمالاً بهترین نتایج را برای تعداد بیشتری از افراد انسانی به بار می‌آورد.

پراگماتیست‌ها تأکید می‌کنند که همانطور که به آزمون درستی افکار خود می‌پردازیم، باید ارزش ارزشهای خود را نیز بیازماییم. ما باید مسائل مربوط به امور انسانی را به طور بیطرفانه و به شیوه علمی مورد نقد و بررسی قرار دهیم و آن ارزشهایی را برگزینیم که به نظر می‌رسد بتواند به حل آنها بپردازند. این ارزشها نباید بوسیله قدرتی برتر به ما

جامعه خیالی که منظور نظر اوست، از مردمی تشکیل شده است که شهامت اندیشیدن به صورت مستقل را دارند و در عین حال، خوشتن را با گروه پیوند می‌دهند. این دیدگاه عمل‌گرایانه در حوزل ارزش‌ها و اخلاق بلاشک در دیدگاه‌های تربیتی مبتنی بر عمل‌گرایی تأثیر داشته‌اند. در جدول ۱ خلاصه نظریه عمل‌گرایی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری بیان شده است.

تحلیل شوند، بلکه باید به دنبال بحث‌های آزاد و اطلاعات مبتنی بر شواهد عینی مورد توافق قرار گیرند. هرچه جامعه‌ای پیچیده‌تر می‌شود، انتظارات آن از فرد نیز بیشتر می‌شود. اما فلسفه‌ی پراگماتیسم هرگونه تعبیر از فرد‌گرایی را که منتهی به استثمار اجتماعی شود و همچنین هر نظم اجتماعی را که فردیت شخص را در خود مستحیل سازد، طرد می‌کند. دیویی امتزاج میان اندیشه فردی و تجویز گروهی را «التزام انتقادی» نام نهاده است.

جدول ۱: خلاصه نظریه عمل‌گرایی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری

عناصر تربیتی و آموزشی	خلاصه دیدگاه
مبانی اصول	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نفی ایده نال‌های اخلاقی^{۱۲} ۲. رد غایات ثابت اخلاقی ۳. کمال، هدف زندگی نیست، بلکه حرکت به سوی کامل شدن هدف است. ۴. عمل رشد تنها غایت اخلاقی است. ۵. معیار برای حقیقت به ارزش عمل اتکا دارد. ۶. عمل‌گرایی یک روش یا مکتب نیست، بلکه قواعد مبتنی بر تجربه در حوزه اخلاق است. ۷. از آغاز به اشیاء، اصول و مقولات توجه ندارد و به غایات اشیاء، دستاورد و نتایج و واقعیات عملی توجه می‌کند. ۸. دموکراسی مبتنی بر سرشت آدمی یا خرد یا واقعیت نیست بلکه تجربه‌ای نوید بخش است که جماعت خاص را درگیر خود می‌کند. ۹. معیار دقیقی برای رشد از قبل مشخص نیست. ۱۰. مرزبندی ارزش‌ها بر اساس محدوده‌های ملی اخلاق مطلوب نیست. ۱۱. پیشرفت اخلاقی به منزله افزایش حساسیت و توان پاسخگویی به نیازهای مجموعه‌ای بیشتر و بزرگتری از ابناء بشر است و پاسخ‌گویی به نیازهای مجموعه‌های جهانی مطلوب است. ۱۲. تمایزی بین جسم و ذهن وجود ندارد و تمایز معلول از تفکیک مصنوعی و مقوله بندی برای تحلیل آسان است. ۱۳. فرد و جامعه از هم مجزا نیستند و وحدت و یگانگی بین جامعه و افراد، موجب می‌شود تا واکنش‌های اجتماعی تعدیل و اصلاح شود و فرد بدانند چه اثری بر اجتماع باقی گذاشته و چه تأثیری از آن پذیرفته است. ۱۴. افراد در جامعه نقش بازی نمی‌کنند بلکه در کنش اجتماعی سهیمند بدون آنکه بر تفوق خواسته‌ها و انگیزش‌ها و ارزش‌های فردی پافشاری کنند. ۱۵. متافیزیک رد می‌شود دستاورد ذهن در جسم و حواس ظهور می‌کند و عمل مبنا است. ۱۶. اصول طبیعت‌گرایی، تجربه‌گرایی، ابزارانگاری، علم‌گرایی، منفعت‌گرایی، مطلق نبودن حقیقت، نسبی‌گرایی، فردگرایی، جایگزینی تصدیق‌پذیرش موق به جای حقیقت‌گرایی، عدم تفکیک جنبه‌های درونی و بیرونی اخلاق و اصل تغییر موردنظر عمل‌گرایان است.
اهداف	<ol style="list-style-type: none"> ۱. اهداف به دو گونه درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. اهداف درونی از مساله یا تکلیف سرچشمه می‌گیرند و اهداف بیرونی خارج از علاقه و مساله تکلیف دانش‌آموز است. اهداف درونی بر اهداف بیرونی برتری دارد. ۲. هدف اخلاقی رشد به معنای تکامل پویای سرشت انسانی، یکپارچه و هماهنگ است به شرط آنکه حالت ثابت و معینی از کمال را هدف غائی نگیرد. ۳. هدف ثابت و درازمدت در تربیت مورد باور نیست. ۴. هدف هر فعالیتی خود آن فعالیت است و نتیجه خارج از آن است. ۵. هدف و وسیله از هم جدا نیستند و جدایی آنها موجب ناخوشایندی فعالیت می‌شود. ۶. هدف‌های تربیتی باید از تجارب کودکان استخراج شود. ۷. تأمین نیازها و علائق فوری کودکان باید بر هدف‌های نهایی و آینده‌نگرانه ترجیح داده شود. ۸. هدف انحصاری آموزش و پرورش رشد یا همانا بازسازی تجربه است که به هدایت و کنترل تجربه‌های بعدی بیانجامد. ۹. آموختن چگونه اندیشیدن و سازگاری از اهداف مهم تعلیم و تربیت است.
محتوای آموزشی	<ol style="list-style-type: none"> ۱. برنامه موضوع محور مورد انتقاد عمل‌گرایان است و به جای مجموعه‌ای از اطلاعات جدا از هم باید ارتباط بین دروس موردتوجه قرار گیرد. ۲. در تنظیم محتوای آموزشی رسوم و سنت‌های بی‌مورد دیرین که با نیازها و علائق دانش‌آموزان همخوان نیست کنار گذاشته شود. ۳. برنامه‌های یکپارچه و مرتبط که هر یک تجربه‌ای مفید برای دانش‌آموز داشته باشد تهیه گردد. ۴. طراحی محتوای آموزشی مناسب برای کسب تجربه بی‌واسطه و مستقیم دانش‌آموز مرتبط با مسائل کنونی و تجارب اجتماعی موردتوجه است.
روش‌های آموزش	<ol style="list-style-type: none"> ۱. بصورت عمل باید آزمایش‌ها و تجربیات توصیف شود. ۲. باید به شرایط عینی توجه کرد ۳. روش تحقیق در علوم تجربی همان روش تفکر است. ۴. یادگیری کلاً جزئی و به زمان و مکان و اوضاع خاص وابسته است. ۵. تربیت اجتماعی به مثابه وسیله‌ای برای آشنا ساختن تدریجی دانش‌آموزان با واقعیات و نیازهای جامعه است. ۶. یادگیری مساله محور موردتوجه است و معلم نقش راهنما و مشاور را دارد. ۷. یادگیری مشارکتی و تعاونی موردتوجه است و سه عنصر: اشتراک، ارتباط و اجتماع حائز اهمیت است. ۸. روش مشکل‌گشایی گروهی یکی از روش‌های آموزش عمل‌گرایی است.

<p>۹. انضباط برخاسته از درون با هدف پرورش افراد خودگردان بر انضباط بیرونی ترجیح دارد. ۱۰. کنترل معلم بر موقعیت یادگیری باید غیرمستقیم باشد تا به توسعه گرایش‌های درونی فرد کمک کند. ۱۱. معلم باید به دانش آموز اجازه ارتکاب خطا را بدهد تا پیامدهای اعمال خویش را تجربه کنند البته معلم باید قوه تمیز و مهارت حرفه‌ای خود را به کار گیرد تا پیامد کار دانش آموز متضمن خطر نباشد. ۱۲. مشارکت گروهی، همکاری و تفاهم میان گروه‌ها باید مورد توجه باشد. ۱۳. روش عملی در عرصه‌های اجتماعی گسترش یافته است. ۱۴. آموزش از طریق بازی مورد توجه است.</p>	
<p>۱. تجربه و تحقیق تجربی باید نتایج قانع‌کننده داشته باشد. ۲. برای تشخیص موضوع و روش صحیح و حقیقی باید به اثر عملی وفایده آن توجه کرد. ۳. ارزش‌ها نسبی است و هیچ قانون و اصلی را نباید بدون توجه به اوضاع و احوال که عمل در آن صورت می‌گیرد، برای جهانیان الزام آور و کلی دانست. ۴. ارزش فضایل بسته به نقشی است که در زندگی اجتماعی ایفا می‌کند. ۵. معرفت اخلاقی خطاپذیر است و با تغییر فرهنگ و جوامع تغییر می‌کند. ۶. ارزش مندی یک فعالیت مبنی بر کارآمدی و بازسازی تجربه است. ۷. اعمال منحصرآ میزان اخلاق خوب هستند و سلامت فکر و پاکی نیت مهم نیست. ۸. نتایج عملی ایده‌ها و عقاید معیار تعیین ارزش و صدق آنهاست.</p>	<p>روش‌های ارزشیابی</p>

بازسازی‌گرایان استدلال می‌کنند که اگر مردم واقعا به جامعه و تعلیم و تربیت علاقه مند باشند، در جاهای محوری و اساسی که تصمیم‌گیری در آنها صورت می‌گیرد حضور خواهند یافت. آنها قویا بر فعالیت جامعه تأکید دارند و از تعلیم و تربیتی حمایت می‌کنند که مردم را در دستیابی به حقوق انسانی و اجتماعی کمک کند. بازسازی‌گرایان همچنین عقیده دارند که مردم هم باید به امور جامعه بپردازند و هم به امور جهانی، و باید افرادی فعال و لایق و مؤثر برای استمرار اصلاح اجتماعی باشند. بازسازی‌گرایی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری راهکارهای متعددی دارد. بازسازی‌گرایان، آموزش و پرورش را ابزار بسیار مؤثر معقول ساختن تغییر اجتماعی و حرکت به سمت دموکراتیک و انسانی ساختن می‌دانند. دفاع از دموکراسی نیز در این فلسفه، فراتر از دموکراسی ملی یعنی دموکراسی جهانی است/ کار گروهی در محیط مدرسه مورد توجه خاص پیروان بازسازی‌گرایی است/ معلم... نباید بی طرف باشد و بی طرف بماند. بلکه محصلان را آزادمنده به بازسازی برانگیزد و ترغیب کند/مربیان، فعالان جامعه باشند و مدرسه روش‌هایی را در پیش بگیرد که محصلان و در واقع جامعه را برای مقابله با این بحران‌ها آماده گردانند/ هنر مربیان معاصر این نیست که به روش‌های آموزشی گذشتگان برگردند یا به متروک شدن آنها حسرت بخورند بلکه هر چه زودتر و بدون هر گونه تعصب با تازه‌ترین تکنولوژی آموزشی آشنا شوند (۱۱ و ۱۲). در جدول ۲ خلاصه نظریه بازسازی‌گرایی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری بیان شده است.

نظریه بازسازی‌گرایی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری چه دیدگاهی دارد؟

اصطلاح «نظریه بازسازی»، اولین بار در سال ۱۹۲۰ توسط دیویی در کتاب «بازسازی در فلسفه» مطرح شد (۷). طرفداران بازسازی اجتماعی معتقدند که پرورش کاران باید برای اصلاح جامعه سیاست‌ها و برنامه‌هایی را ابداع کنند. می‌گویند که معلمان باید از قدرت خود به‌منظور رهبری شاگردان در برنامه‌های مهندسی و اصلاح اجتماعی بهره‌گیرند (۸). طرفداران بازسازی اجتماعی مدعیند که از عمل‌گرایی جان دیویی پیروی می‌کنند که بر ضرورت بازسازی تجربه فردی و اجتماعی تأکید می‌نهد. برخی محققان پایبند به این رویکرد (۹) بیان می‌کنند نظریه بازسازی‌گرایی اجتماعی، ویژگی‌هایی دارد که وجه تمایز آن از نظریه‌های دیگر است؛ الف) توجه به تغییر و اصلاح جامعه، ب) سرعت روزافزون و غیرقابل پیش‌بینی تغییر و تحول در جهان، ج) اعتقاد به عدم تبعیض نژادی^{۱۳}، ح) نقد میراث فرهنگی، خ) ارتقا نقش معلم از یک آموزگار به یک کنشگر اجتماعی، ر) توجه به ضرورت آینده‌نگری^{۱۴} و تأکید بر توانمند ساختن دانش‌آموزان برای پیش‌بینی آینده، ز) تأکید بر تربیت اجتماعی دانش‌آموزان دارد (س) توجه جدی به موضوع تنوع فرهنگی^{۱۵} (ش) ترویج مدارس پژوهش مدار مسئله مدار. نقدهای نیز بر این نظریه است از جمله برخی محققان مطرح نموده‌اند که علیرغم دعوت این نظریه به تغییر، نوعی بی‌طرفی در بطن آن وجود دارد که این بی‌طرفی برای آموزش و پرورش می‌تواند خطرناک باشد (۱۰).

جدول ۲: خلاصه نظریه بازسازی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری

عناصر تربیتی و آموزشی	خلاصه دیدگاه
<p>مبانی و اصول</p>	<p>۱. هر جامعه به بازسازی یا تغییر مداوم نیاز دارد و تغییر جامعه هم بازسازی تربیت و کاربرد تربیت را شامل می‌شود. ۲. آموزش و پرورش ابزار بسیار مؤثر، معقول ساختن تغییر اجتماعی است. ۳. باید مردم را تشویق کرد بکوشند هرروز زندگی خود را بهتر از قبل کنند. ۴. عصر ما نیاز به بازسازی فوری در همه جنبه‌های دینی و فلسفی و نظام‌های ارزشی فلسفی است.</p>

<p>۵. با تغییر و بازسازی فرهنگ و ساختار جوامع می‌توان یک تمدن دموکراتیک خلق کرد.</p> <p>۶. مشکلات جوامع امروزی به دلیل تاخر فرهنگی است، عدم همخوانی و سختیت دستاوردهای علمی و فناورانه و بنیان‌های ارزشی، فرهنگی و اجتماعی</p> <p>۷. آینده از آن تفکر علمی است و باید به روش علمی و دقیق مسائل از جمله دیدگاه‌ها و عادات اجتماعی بررسی شود.</p> <p>۸. احساس مسئولیت درباره نظم جهانی جایگزین اعتقاد به سنت تغییر ناپذیر شد و مسئولیت اجتماعی اخلاق انسان‌ها در برابر اعمال خود برای تعیین شرایط زندگی افزایش یافت.</p> <p>۹. بازسازی‌گرایی تنها یک فلسفه بحران نیست و به حوزه آموزش و پرورش محدود نمی‌شود بلکه در قلمرو فرهنگ نیز ضروری است.</p> <p>۱۰. مطالعه جامعه موجود باید به‌عنوان جزء مهمی از آموزش عمومی باشد و دانشجویان آموزش و پرورش بیش از پیش به جامعه‌شناسی تربیتی و پویایی‌های اجتماعی بپردازند.</p> <p>۱۱. آموزش و پرورش در شمار علوم اجتماعی است.</p> <p>۱۲. فرهنگ مبنای اندیشه و عمل است.</p> <p>۱۳. اعتقاد به دموکراسی و تاکید بر واگذار کردن اداره امور اجتماعی به مردم</p> <p>۱۴. هدف غایی دموکراسی ملی، دموکراسی جهانی است.</p> <p>۱۵. اصول بازسازی‌گرایی شامل: ۱. نقش مدرسه در بازسازی فرهنگی - اجتماعی ۲. آموزش فرایند اجتماعی است.</p>	
<p>۱. بازسازی گرایان به دنبال آرمانشهر (مدینه فاضله) هستند</p> <p>۲. تغییر و تحول فردی، تربیتی و اجتماعی هدف است.</p> <p>۳. مطلق‌گرایی در اهداف مورد پذیرش نیست و کمال‌پذیری افراد و جامعه باید مداوم باشد.</p> <p>۴. فرهنگ و تمدن جهانی تغییر کند و افراد و جامعه زندگی بهتری داشته باشند.</p> <p>۵. شایسته بارآوردن همه دانش‌آموزان</p> <p>۶. همزیستی سالم همه افراد در جامعه</p> <p>۷. تلاش برای جامعه جهانی، برادری و مردم‌سالاری</p> <p>۸. بازسازی فرهنگ و حذف جنبه‌های نامطلوب فرهنگ</p> <p>۹. آگاهی دادن به یادگیرندگان در زمینه خطرات جامعه و تهدیدات</p> <p>۱۰. آینده‌نگری، دوری از خشونت و آموزش صلح و تعامل اجتماعی</p> <p>۱۱. افزایش قدرت مواجهه افراد با تغییرات اجتماعی و بحران‌های زندگی</p>	<p>اهداف</p>
<p>۱. برنامه درسی مناسب برای درک و خلق مجموعه‌ای از معانی برای مواجهه با مشکلات اجتماعی</p> <p>۲. موقعیت‌های یادگیری باید واقعی، قابل عمل و ارزشمند باشد.</p> <p>۳. برنامه آموزشی بتواند منابع فرهنگی دانش آموز را در مدرسه مورد تحلیل انتقادی قرار داده و مجدد به او انتقال دهد.</p> <p>۴. محتوای آموزش و موضوعات درسی بین دو محیط خارج از مدرسه و داخل مدرسه ارتباط برقرار کند و در حل مشکلات مورد استفاده قرار گیرد.</p>	<p>محتوای آموزشی</p>
<p>۱. ایجاد فرصت برای خلق معانی مناسب در برخورد با مشکلات در دانش آموز</p> <p>۲. استفاده از روش تفکر عمیق، بحث گروهی، حل مساله و روش تجربه</p> <p>۳. مواجهه سازی شاگردان با واقعیت‌های موجود در زندگی</p> <p>۴. فراهم سازی زمینه تجارب دست اول</p> <p>۵. استفاده از تکنولوژی و پرهیز از بدگویی بر علیه آن</p>	<p>روش های آموزش</p>
<p>۱. انتقاد از روش‌های آموزش متداول و ارزش‌ها و گرایش‌های سنتی</p> <p>۲. ارزش قائل شدن برای فعالیت دانش‌آموزان در تربیت اجتماعی</p> <p>۳. ارزش قائل شدن برای کار گروهی</p> <p>۴. تربیت شاگردان نه تنها برای حال بلکه برای آینده</p> <p>۵. آزمودن تفکر به تحقق‌پذیری</p>	<p>روش‌های ارزشیابی</p>

یا عمل‌گرایی ایده‌ها را بر پایه پیامدهای آن‌ها در عمل مورد قضاوت قرار می‌دهد. ارزش‌ها در چهارچوبی از مسایل اخلاقی و زیبایی‌شناختی و امور دیگری ادراک می‌شود که در وجود یگانه موقعیت‌های ویژه تبلور می‌یابند. در واقع پراگماتیسم تلاش داد تا حقیقت یک چیز در ارتباط با سودمندی چیز در عمل را توجیه کند. در این فلسفه انسان موجودیست متغیر که در تعامل دایم با جهان است و هم از جهان تاثیر می‌گیرد و هم بر جهان تاثیر می‌گذارد و نتایج این

چه تفاوت و شباهت‌هایی بین دو نظریه عمل‌گرایی و بازسازی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری وجود دارد؟

در بحث ماهیت ارزش‌ها از نظر پراگماتیسم، آنچه در زندگی عملی مفید و حلال مشکلات آدمی باشد، ارزش دارد. معیار تعیین ارزش پراگماتیسم - ها، مطلوبیت و سودمندی در زندگی فردی و اجتماعی است. پراگماتیسم

می‌شو، د خود مشمول بازبینی و بازسازی دوباره از مسیر فلسفه‌ورزی تربیتی می‌شود. همچنین دو نوع فلسفه تعلیم‌وتربیت «خرد» و «کلان»، وجود دارد و هر دوی آن‌ها مبتنی بر واقعیت‌های عمل تربیتی و برآمده از بافت و موقعیت تربیتی هستند. با توجه این تفاوت‌ها و شاهدت‌های این دو نظریه در حوزه آموزش اخلاق در جدول ۳ ارائه شده است.

تامل با تاثیر کسب معرفت است و اساس این جهان‌شناسی را تجربه تشکیل می‌دهد. در رویکرد بازسازی‌گرایی، رابطه فلسفه، فلسفه تعلیم‌وتربیت و عمل تربیتی رابطه‌ای دوسویه و دیالکتیکی است و هر گونه فلسفه‌ورزی تربیتی، زمانی که جامعه عمل می‌پوشد و تبدیل به کنش تربیتی برای حل مسائل یا چالش‌های تربیتی موجود در بافت و موقعیت تربیتی

جدول ۳: مقایسه دو نظریه عمل‌گرایی و بازسازی در حوزه آموزش و اخلاق

عناصر تربیتی و آموزشی	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
<p>مبانی و اصول</p>	<ol style="list-style-type: none"> هر دو نظریه غایات ثابت اخلاق را رد می‌کنند و کمال را حرکت به سوی کامل شدن می‌دانند. به دموکراسی و ضرورت آن در حرکت جامعه به سوی جهانی شدن باور دارند. رشد را به‌عنوان یک هدف مهم در نظر دارند اما معیار دقیقی برای آن تعریف نکرده‌اند. مرزبندی ارزش‌ها بر اساس محدوده‌های ملی و فرهنگی را نمی‌پذیرند. پیشرفت اخلاقی را برای جهانی شدن و پاسخگویی به نیازهای مجموعه‌های جهانی موردتوجه دارند. در مورد اصل تغییر و لزوم تغییرات مداوم در جامعه توافق دارند. احساس مسئولیت درباره نظم جهانی را بر اعتقاد به سنت‌های تغییرناپذیر ترجیح می‌دهند. سهیم بودن افراد جامعه در کنش‌های اجتماعی و نقش آنها در ساختن جامعه نسبی‌گرایی ارزش‌ها و عدم پذیرش مطلق‌های اجتماعی 	<ol style="list-style-type: none"> عمل‌گرایی و بازسازی بر سر معنای واژه حقیقت با هم تفاوت دارند، عمل‌گرایان حقیقت را بیشتر به واقعیات مجسم و اشیاء محدود می‌کنند اما بازسازی‌گرایان اینگونه نیستند. عمل‌گرایان بیش از بازسازی‌گرایان محافظه‌کار هستند و به انتقال میراث فرهنگی و تداوم فرهنگی بیشتر توجه دارند، در حالی که بازسازی‌گرایان به دنبال تجدید حیات اجتماعی و فرهنگی هستند. اعتقادات بازسازی‌گرایان برای تغییر تندتر و عاطفی‌تر از عمل‌گرایان است. عمل‌گرایان بیشتر به زمان حال توجه دارند، اما بازسازی‌گرایان توجه بیشتری به آینده و آینده‌نگری دارند. بازسازی‌گرایان حکومت جهانی و حتی کیهانی را موردتوجه قرار می‌دهند و به دنبال تغییر و تحول سریع در جهان هستند اما عمل‌گرایان اینگونه نیستند. بازسازی‌گرایان مانند عمل‌گرایان به تفکیک معلومات از عمل معتقد نیستند از نظر آنان معلومات یا معرفت باید به عمل بیانجامد و عمل باید معرفت را روشن و تعدیل کند و بر آن بیفزاید. قواعد اخلاقی موردنظر عمل‌گرایی لزوماً مبتنی بر تجربه است اما در بازسازی‌گرایی اینگونه نیست. بازسازی‌گرایان در آموزش و پرورش به آنچه هست یا بوده، دل خوش نمی‌کنند و همیشه به آنچه ممکن است اتفاق بیفتد یا حتماً اتفاق خواهد افتاد توجه دارد. دیدگاه بازسازی‌گرایان در تربیت، بیشتر خیالی یا رمانتیک است تا واقعی و عملی، اما عمل‌گرایان اینگونه نیستند. درجه تاکید بازسازی‌گرایان به تغییر و بازسازی جامعه بحرانی بیشتر از عمل‌گرایان است. عمل‌گرایان بیشتر فردگرا هستند و منافع فردی را موردتوجه دارند در حالی که بازسازی‌گرایان به دنبال تغییرات اجتماعی و منافع گروهی و جهانی هستند. عمل‌گرایان آموزش و پرورش را ابزاری برای کسب تجربه و اجتماعی شدن فرد می‌دانند اما بازسازی‌گرایان آموزش و پرورش را ابزار بسیار موثر در معقول ساختن تغییرات اجتماعی می‌دانند.
<p>اهداف آموزشی</p>	<ol style="list-style-type: none"> رشد و بازسازی تجربه به‌عنوان هدف اخلاقی مشترک دو نظریه است. عدم باور به اهداف ثابت و درازمدت آموختن چگونه اندیشیدن و سازگاری از اهداف مهم تعلیم و تربیت است. عدم جدایی بین هدف و وسیله تغییر و تحول فردی و اجتماعی تلاش برای ایجاد جامعه جهانی افزایش قدرت مواجهه افراد با تغییرات اجتماعی و بحرآن‌ها 	<ol style="list-style-type: none"> عمل‌گرایان هدف اخلاقی را رشد به معنای تکامل پویای سرشت انسانی می‌دانند اما بازسازی‌گرایان به دنبال اصلاح جامعه و رسیدن به آرمانشهر هستند. عمل‌گرایان تأمین نیازها و علائق فوی کودکان را بر هدف‌های نهایی و آینده‌نگرانه ترجیح می‌دهند، اما بازسازی‌گرایان آینده‌نگری و دوری از خشونت و تعامل اجتماعی را موردتوجه دارند. از نظر عمل‌گرایان هدف انحصاری آموزش و پرورش رشد یا بازسازی تجربه برای کنترل تجربه‌های بعدی است اما از نظر بازسازی‌گرایان، فرهنگ و تمدن جهانی باید تغییر کند و افراد و جامعه زندگی بهتری داشته باشند. اهداف اجتماعی مورد نظر عمل‌گرایان بیشتر متمرکز بر نیازها و وضعیت فرد است در حالی که بازسازی‌گرایان همزیستی سالم همه افراد در جامعه و شایسته‌بارآوردن همه دانش‌آموزان را موردتوجه دارند. بازسازی‌گرایان نسبت به عمل‌گرایان تاکید بیشتری بر تربیت اجتماعی دارند.

<p>۱. عملگرایان در تنظیم محتوای آموزشی رسوم و سنت‌های بی‌مورد و ناهمخوان با علائق دانش‌آموزان را کنار می‌گذارند اما بازسازی‌گرایان به دنبال تحلیل منافع فرهنگی دانش‌آموز و انتقال مجدد به او هستند.</p> <p>۲. محتوای آموزشی مورد نظر عمل‌گرایان بیشتر بر توانایی‌های فردی و تجارب بی‌واسطه مرتبط با مسائل کنونی است اما محتوای آموزشی موردتوجه بازسازی‌گرایان، برنامه درسی مناسب باید مجموعه‌ای از معانی را خلق کند تا فرد با مشکلات اجتماعی مواجهه شود.</p>	<p>۱. توجه به محتوای یکپارچه و مرتبط به جای اطلاعات جدا از هم</p> <p>۲. در تنظیم محتوای آموزش به رسوم سنت‌های بی‌مورد و ناهمخوان با نیازهای دانش‌آموزان توجه نمی‌شود.</p> <p>۳. برنامه‌های واقعی و قابل عمل موردتوجه است.</p> <p>۴. محتوای آموزشی و موضوعات مرتبط با جهانی خارج از مدرسه باشد.</p>	<p>محتوای آموزشی</p>
<p>۱. روش‌های آموزش عملگرایان بر اساس باور به جزئی بودن یادگیری و وابستگی آن به مکان و زمان خاص است اما بازسازی‌گرایان توجه به مسائل فرهنگی و کلی‌تر را در آموزش موردتوجه قرار می‌دهند.</p> <p>۲. بازسازی‌گرایان تاکید بیشتری نسبت به عمل‌گرایان به استفاده از تکنولوژی در آموزش دارند.</p> <p>۳. عملگرایان عقیده دارند باید معلم در فرایند آموزش فرصت ارتکاب خطا و تجربه پیامدهای آن را به دانش‌آموز بدهند اما بازسازی‌گرایان باوری به این کار ندارند.</p> <p>۴. روش علمی و تجربی بیشتر از بازسازی‌گرایان موردتوجه عمل‌گرایان است.</p>	<p>۱. استفاده روش تفکر عمیق، بحث گروهی، حل مساله و روش تجربه</p> <p>۲. فراهم سازی زمینه تجارب دست اول</p> <p>۳. مواجهه سازی شاگردان با واقعیت‌های موجود در زندگی</p> <p>۴. یادگیری مشارکتی و تعاونی موردتوجه است.</p> <p>۵. انضباط برخاسته از درون بر انضباط بیرونی ترجیح دارد.</p> <p>۶. روش مشکل‌گشایی گروهی موردتوجه دو نظریه است.</p>	<p>روش‌های آموزش</p>
<p>۱. عمل‌گرایان در ارزیابی فعالیت‌ها سود و منفعت آنی و فردی را موردتوجه قرار می‌دهند اما بازسازی‌گرایان فعالیت‌هایی که آثار اجتماعی و درازمدت داشته باشند ارزشمند می‌دانند.</p> <p>۲. بازسازی‌گرایان بیش از آنکه در ارزیابی فعالیت‌ها به نتایج توجه داشته باشند برای فعالیت خود دانش‌آموز در تربیت اجتماعی ارزش قائل می‌شوند.</p> <p>۳. تربیت شاگردان در عمل‌گرایی برای حال و بهبود شرایط کنونی او است اما تربیت شاگردان از نظر بازسازی‌گرایان نه تنها برای حال، بلکه برای آینده است.</p> <p>۴. بازسازی‌گرایان بیش از عمل‌گرایان برای کارگروهی ارزش قائل می‌شوند.</p>	<p>۱. نتایج آموزش‌ها باید قانع‌کننده باشد.</p> <p>۲. تأثیری که آموزش‌ها بر زندگی اجتماعی دارد ملاک ارزشیابی است.</p> <p>۳. ارزش مندی یک فعالیت مبنی بر کارآمدی آنان است.</p> <p>۴. کارهای گروهی دارای ارزش هستند.</p>	<p>روش‌های ارزشیابی</p>

چه راهکارهای تربیتی براساس دو نظریه عمل‌گرایی و بازسازی در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری می‌توان ارائه نمود؟

با توجه به دیدگاه دو نظریه عمل‌گرایی و بازسازی اجتماعی، راهکارهای تربیتی زیر را در حوزه آموزش اخلاق و قانون‌پذیری می‌توان ارائه نمود.

- ۱- توجه به جایگاه واقعی آموزش و پرورش در سازندگی جامعه از راه دادن اختیارات و امکانات کافی و کاهش یا حذف دخالت سایر نهادهای دیگر در امر تعلیم و تربیت.
- ۲- در نظام آموزشی علاوه بر تحولات مکانیکی، تحولات عمیق کیفی دینامیکی و نقاد را بسط و توسعه داد و توجه داشته باشیم که این تغییر از سوی معلمانی امکانپذیر است که به‌عنوان اندیشمندان رهایی‌بخش و کارگزاران فرهنگی و تحول‌آفرین، اختیارات و آزادی عمل کافی داشته و شجاعت اخلاقی و نقادی آن‌ها تحسین و تقویت شود.
- ۳- آزاد کردن تعلیم و تربیت از جهت‌گیری‌های سلیقه‌ای و غیرعلمی

۴- بازنگری در محتوای برنامه‌های درسی و جهت‌گیری آن‌ها با تاکید بر تربیت عقلی، تفکر انتقادی و تقویت فهم و درک دانش‌آموزان و معلمان از فرهنگ

۵- تقویت ارتباط موثر اجتماعی، فرهنگ مدنی و مشارکت جمعی در آموزش

۶- توجه به دموکراسی، دسترسی آزاد به اطلاعات و امید به آینده

۷- تاکید بر تجربه‌های واقعی و گروهی و تقویت ارتباط موثر اجتماعی و مشارکت اجتماعی

۸- داشتن کارکرد موثر اجتماعی، جدیت برای حل مسائل مربوط به زندگی اجتماعی از راه آشنایی و درگیری واقعی بچه‌ها با معضلات محیط اطراف و تقویت انگیزه‌های درونی‌شان با ایجاد فرصت‌هایی در کلاس برای کسب نگرش و درک صحیح از مشکلات واقعی زندگی

۹- توجه به حوزه‌ی فرهنگ و ساختارها جامعه در تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی تفکر برای داشتن بصیرت باهدف ایجاد یکپارچگی ملی و سازگاری منطقه‌ای و جهانی

۱۰- به کارگیری دستاوردهای علمی و فناوری‌های جدید، توأم با رعایت اصول اخلاقی انسانی و اجتماعی

عمل‌گرایی نوین بر اصولی چون طرد معرفت‌شناسی بنیادین، تأکید بر زبان، یگانگی دانش، همبستگی اجتماعی به جای عینیت محض، پرورش شهروند دموکراتیک فکور تأکید دارد. از منظر بازسازی‌گرایی و عمل‌گرایی نوین یک تئوری تربیتی باید دارای سه ویژگی توصیفی-تشریحی، خاص و عملی باشد. آن‌ها برای تعلیم و تربیت پنج مرحله شامل تعیین حکایت، مرتبط ساختن حکایت با مسائل زندگی، خلق حکایت جدید، نقد حکایت و مقایسه آن با قصه‌های ملی و جمعی مطرح کرده، رویکرد مناسب برنامه درسی برای دوران پیش از دانشگاه را رویکرد تلفیقی و برای دوران پس از دانشگاه رویکرد پروژه محور معرفی می‌کنند. آموزش بازسازی‌شناختی میزان درماندگی آموخته شده را به طور معنی‌داری کاهش داده است.

بنابراین در مقایسه این دو دیدگاه (عمل‌گرایی کلاسیک و عمل‌گرایی نوین) می‌توان گفت: در مکتب پراگماتیسم هم به ذهن و عقل و هم به جهان بیرون توجه می‌شود و ارتباط متقابل بین فراگیر و محیط است که در شکل‌گیری یادگیری نقش دارد. پراگماتیسم نوین دیدگاهی است که نباید زبان را در وهله اول از نظر یک رابطه قوی ارجاع یا بازنمایی اشیا و خصوصیات پیشین تصور کرد. بلکه باید به آن به‌عنوان یک عمل اجتماعی نگاه کنیم که به ما اجازه می‌دهد کارهای مختلف کاملاً متفاوتی انجام دهیم. این دیدگاه آینده‌نگر است و معلم تنها از یک تئوری یا فلسفه تعلیم و تربیت پیروی نمی‌کند. نوع عمل‌گرایی؛ پراگماتیسمی است که بجای حمایت از تجربه، تماماً زیان‌شناسانه است. احیای عمل‌گرایی فلسفی، مباحث زیادی را بین نئوپراگماتیست‌ها ایجاد کرده است که به توضیح عمل‌گرایی کلاسیک پرداخته‌اند. در میان همه این منازعات داخلی، اختلاف نظر بیشتر در مورد وضعیت زبان و تجربه در فلسفه عمل‌گرایی است. دانشمندان معاصر عمل‌گرایی کلاسیک از تجربه به‌عنوان قلب عمل‌گرایی دفاع می‌کنند در حالی که نئوپراگماتیست‌ها مفهوم تجربه را به نفع عمل‌گرایی کاملاً زبانی کنار می‌گذارند. حس مشترک که برای پراگماتیسم یک مسأله بسیار محوری است، برای عمل‌گرایی نوین یک امر فرافردی و بین‌فردی است. عمل‌گرایی نوین نوعی برداشت و تفسیر سوم از دیدگاه دیویی است و گاهی اوقات به عمل‌گرایی زبان‌شناسانه و نسخه پست مدرن عمل‌گرایی نیز معروف است.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- | | |
|------------------------------|------------------------|
| 1. Ethics | اخلاق |
| 2. Social-mental impairments | آسیب‌های روانی-اجتماعی |
| 3. Law abiding | قانون‌پذیری |
| 4. Arithmetic | ارزش‌شناسی |

- ۱۱- یادگیری فرهنگ صلح از طریق آموزش و برنامه‌های درسی
- ۱۲- گسترش بینش علمی و کسب نگرش مثبت نسبت به دیدگاه‌های تحول‌گرایی علمی و تجربه و نوآوری.
- ۱۳- تلاش در گسترش دید دانش‌آموزان به زندگی در جامعه جهانی و رهایی از بند رسوم و سنت‌های بی‌مورد
- ۱۴- فراهم‌سازی زمینه کسب تجارب دست اول اجتماعی و بازسازی تجربه
- ۱۵- استفاده از یادگیری مشارکتی و تعاونی توجه به سه عنصر: اشتراک، ارتباط و اجتماع در آموزش‌ها
- ۱۶- آموزش مهارت‌های چگونه اندیشیدن، حل مسأله، مشکل‌گشایی و انضباط درونی و خودگردانی
- ۱۷- استفاده از روش بازی در آموزش مهارت‌های اجتماعی و آموزش اخلاق و قانون‌پذیری
- ۱۸- آموزش مسئولیت‌پذیری در برابر اعمال خود در اجتماع
- ۱۹- در نظر گرفتن مطالعه اجتماع به‌عنوان بخشی از آموزش عمومی و توجه به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش
- ۲۰- برجسته‌سازی نقش مدرسه در بازسازی فرهنگی و اجتماعی
- ۲۱- تلاش برای شایسته‌بار آوردن همه افراد جامعه و تربیت شهروند شایسته به‌عنوان یک هدف مهم تعلیم و تربیت
- ۲۲- ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز بین همه افراد و گروه‌های اجتماعی
- ۲۳- آموزش مهارت‌های محافظت در برابر خطرات و تهدیدات اجتماعی
- ۲۴- تأکید بر اهمیت صلح و تعامل اجتماعی و دوری از خشونت
- ۲۵- استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی در آموزش اخلاق و قوانین اجتماعی.

نتیجه‌گیری

ریشه‌ی فلسفی پراگماتیسم در افکار و عقاید فیلسوفان قدیم قرار دارد. مهم‌ترین اصل اساسی که درباره هستی‌شناسی مطرح شده است اصل تغییر است. بر پایه این اصل همه چیز در جهان در حال تغییر و تحول است و هیچ چیز ثابت و پایدار و ابدی در جهان وجود ندارد. فلسفه‌ی پراگماتیسم دیویی را عمل‌گرایی و یا اصالت‌دادن به عمل در زبان فارسی ترجمه کرده‌اند، اما در یک نگاه اجمالی ویلیام جیمز منشا حقیقت را در سودمند بودن یک امور و قضیه می‌دانست. حقیقت به چیزی گفته می‌شود که سودمند و عملی باشد چیزی که سودمند نیست نمیتواند حقیقت داشته باشد به همین منظور جانبداران این مسلک را امروزه عملگرها می‌نامند. محور اندیشه‌ی مکتب پراگماتیسم، مفید بودن و عملی بودن محتوای اندیشه آدمی است. ارزش حقیقت، در گرو فایده عملی آن است. ملاک صحت و سقم، عمل آدمی است؛ نه نظریه دلیل عقلی و منطقی او.

بازسازی‌گرایی را می‌توان از شاخه‌های عمل‌گرایی و پیشرفت‌گرایی به شمار آورد زیرا محور اصلی آن تأکید روی تغییر است. اما این

12. The moral ideal	ایده آل اخلاقی	5. Aesthetics	زیبایی‌شناسی
13. Racism	تبعیض نژادی	6. Ethical considerations	ملاحظات اخلاقی
14. Foresight	آینده‌نگری	7. Pragmatic theory	نظریه عمل‌گرا
15. Cultural diversity	تنوع فرهنگی	8. Theory of social reconstruction	نظریه بازسازی اجتماعی
		9. Logical method	روش منطقی
		10. Interaction	تعامل
		11. Critical commitment	التزام انتقادی

References

- Sobhaninejad M, Ahmadabadi Arani N, Jalalvand T, Mohammadi A. (2018). Explaining the content of the moral education curriculum from the perspective of comparative analysis of the views of Kant and Mullah Ahmad Naraghi. *Research in Curriculum Planning*, 2018; 18(2): 30-48. (In Persian).
- Ballantine JH. (1989). *The sociology of education, A systematic analysis*. 2nd ed. London: Prentice Hall.
- Shariatmadari A. (1998). *Philosophical issues, philosophical schools, basics of science*. 1st ed. Iran/Tehran: Islamic Culture Press. (In Persian).
- Shefler I. (2002). *Four pragmatists*. Translated by: Hakimi M. 2nd ed. Iran/Tehran: Markaz Publication. (In Persian).
- Gutek GL. (2008). *Philosophical schools and educational ideas*. Translated by: Pakseresht MJ. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
- Bazargan Dilamaghani F. (2008). *Familiarity with the philosophy of education*. 1st ed. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
- Usefzadeh Chusari M. (2013). Educational theory and curriculum approach from the perspective of modern pragmatism. *Research in Curriculum Planning*; 10(10): 46-57. (In Persian).
- Gert J. (2018). Neo-pragmatism, representationalism and the emotions. *Philosophy and Phenomenological Research*; 97(2): 454-478.
- Naji S, Safaei M, Rasnani H, Ayatollahi H, Sheikhezadei H. (2011). A study and analysis of the philosophy program for children and adolescents with regard to its degree of Dewey pragmatism. *Journal of Thought and Child*; 2(2): 79-100. (In Persian).
- Sadeghi A. (2015). Critique of social reconstruction curriculum theory. *Qualitative Research Quarterly in Curriculum*; 1(1): 67-92.
- Hough MC. (2008). Learning, decisions and transformation in critical care nursing practice. *Nurs Ethics*; 15(3): 322-31.
- Baykara ZG, Demir SG, Yaman S. (2014). The effect of ethics training on students recognizing ethical violations and developing moral sensitivity. *Nurs Ethics*; 22(6): 661-75.